

## آندیسوا سِتارِهیِ فوتبال

## **Andiswa Soccer Star**

- Eden Daniels
- Eden Daniels
- Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library)
- **il** 2
- 💬 دری [prs] / English [en]



آندیسوا چَند پِسَر را دَر حلِهِزی فوتلِل تهش کَرد. او آرِزو داشت کِه بِتَوانَد آنه را هَمراهی کُنَد. او اَز مُرَبی پُرسید که آلِا میتَوانَد کِه بِتَوانَد آنه را هَمراهی کُنَد. او اَز مُرَبی پُرسید که آلِا میتَوانَد هِمرین کُنَد.

. . .

Andiswa watched the boys play soccer. She wished that she could join them. She asked the coach if she can practise with them.



مُرَبی دَسِمْنَش را رویِ کَمَرَش گُذاشت و گُفت: "دَر این مکتب، فَقَط پِسَره اِجْزِهیِ فوتبِلهِزی دارند. "

. . .

The coach put his hands on his hips. "At this school, only boys are allowed to play soccer," he said.



پِسَره به او گُفتَند بُرو بَسكِتلِالهِزى كُن. آنه گُفتَند بَسكِتلِل بَرايِ دُختَرهست وَ فوتلِل بَرايِ پِسَره. آنديسوا اَندوهگين شُد.

. . .

The boys told her to go play netball. They said that netball is for girls and soccer is for boys. Andiswa was upset.



روزِ بَعد، آن مکتب یِک مُمْبِقِهیِ بزرگ فوتلِلِ داشت. مُرَبی نِگَران بود چون بِهتَرینهِزیکُنَش مَریض بود وَ نِمیتوانستهِزی کُنَد.

The next day, the school had a big soccer match. The coach was worried because his best player was sick and could not play.



آندیسوا بِه سَمتِ مُرَبی دَوید و اِلتِهس کَرد کِه بِه او اِجزِهیِجزی بِدَهَد. مُرَبی مُطمیِن نَبود که چِه کری اَنجِم بِدَهَد. سِپَس تَصمیم گِرفت که آندیسوا میتَوانَد تیم را هَمراهی کُنَد.

. . .

Andiswa ran to the coach and begged him to let her to play. The coach was not sure what to do. Then he decided that Andiswa could join the team.



هِزی سَختی بود. هیچکَس۵ نیمهیِ۹زی گُل نَزَده بود.

The game was tough. Nobody had scored a goal by half time.



دَر جَرِيْنِ نيمه ي دُوْمِهِزى يِكى اَز پِسَره توپ را به آنديسوا پس داد. آنديسوا هِ سُرعَتِ خِيلى زيد بِه سَمت دَروازِه حَرِكَت كَرد. او مَحكَم بهِ توپ ضَربِه زَد وَ توپ گُل شد.

. . .

During the second half of the match one of the boys passed the ball to Andiswa. She moved very fast towards the goal post. She kicked the ball hard and scored a goal.



تَهشچین بِسیر هیجن زَده شُدَند. اَزآن زَهن بِه بَعد، دُختَره هَم اِجزهی هِزی فوتبل دَر مکتب را پِیدا کَردَند.

. . .

The crowd went wild with joy. Since that day, girls were also allowed to play soccer at the school.



## **Global Storybooks**

globalstorybooks.net

آنديسوا سِتارِهي فوتبال

## **Andiswa Soccer Star**

Eden Daniels

**&** Eden Daniels

Abdul Rahim Ahmad Parwani (Darakht-e Danesh Library) (prs)

